



زینب العابدیه علیها السلام

عزاداری کردن و تدارک مجالس عزاء در روایات شیعه، امری جایز بلکه پرفیض و مستحب است. در دهه فاطمیه به‌سر می‌بریم؛ روزهایی که پاره تن پیامبر^(ص) و نوری از انوار الهی را از دست داده‌ایم. در سالگرد این فقدان و در تحمل این مصیبت، در روایات توصیه شده است که اقامه عزاء کنیم. اقامه عزاء به این معناست که هر فرد در هرجایی از دنیا با هر میزان توانایی و وسعی که دارد، در روز شهادت الناس اجمعین السَّلام عَلَیکَ اَیُّهَا الْمُظْلُومَةُ الْمُثْمُونَةُ حَقِّهَا. پس یگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی أُمِّتِكَ وَأَبْنَتِهِ نَبِیِّکَ وَرَوْحِهِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلَاحَ تَرْفُلُهَا فَوْقَ رَأْفَتِ عِبَادِکَ الْمُکْرَمِینَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِینَ».

در مفاتیح الجنان برای اعمال روز شهادت زهرا^(ص) مرضیه^(ص)، توصیه‌هایی بیان شده است: مانند زیارت و... سید بن طاووس در کتاب «رواند الفوائد» اعمال ویژه روز شهادت آن حضرت را این‌گونه بیان کرده است: «ابتدا نماز زیارت یا نماز خود آن حضرت را به جا می‌آورید. نماز آن حضرت دو رکعت است. در هر رکعت بعد از خواندن سوره حمد، شصت مرتبه سوره توحید و اگر نتوانستید، در رکعت اول پس از سوره حمد، سوره توحید و در رکعت دوم، سوره کافرون را بخوانید و چون سلام دادید، این دعا را بخوانید: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا سَیِّدَهُ نِسَاءَ الْعَالَمِینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَالدَّهَ الْحَیْجَ عَلَی النَّاسِ أَجْمَعِینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْمُظْلُومَةُ الْمُثْمُونَةُ حَقِّهَا. پس یگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی أُمِّتِكَ وَأَبْنَتِهِ نَبِیِّکَ وَرَوْحِهِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلَاحَ تَرْفُلُهَا فَوْقَ رَأْفَتِ عِبَادِکَ الْمُکْرَمِینَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِینَ».

یکی دیگر از آدایی که برای اقامه عزاء در متون بسیاری به انجام آن توصیه شده است، «بکاء» و «تباکی» است، یعنی حالتی از زاری و تصرع، یعنی اندوه زده و گریان بودن برای عزایی که رخ داده است و ما به واسطه آن از شدت درک واقعه‌ای که برای اهل عالم رخ داده است، دراز دست دادن نوری از انوار الهی، در رنج و گریان هستیم. این کار مستحب ذکر شده است. مفضل، یکی از یاران امام صادق^(ع)، از ایشان پرسید: «گریه چه پاداش و ثوابی دارد؟» حضرت فرمودند: «اگر گریه برحق باشد، ثواب آن شمردنی نیست.» آن‌گاه مفضل گریه‌ای شدید و طولانی کرد.

برای سابقه این موضوع می‌توان به احادیث و روایت‌های موجود رجوع کرد. یکی از اصطلاحاتی که شاید به گوش شما خورده باشد، «البکائون خمسة» به معنای پنج گریه‌کننده است. از امام صادق^(ع) نقل شده است: «البکائون خمسة، آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه بنت محمد^(ص) و علی بن الحسین؛ گریه‌کنندگان معروف پنج نفرند؛ آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه، دختر پیامبر اسلام^(ص) و علی بن حسین^(ع)».

در مورد این پنج نفر و دلیل نام گرفتنشان به بکائون، می‌توان گفت حضرت آدم^(ع) به سبب اخراج از بهشت و دوری از پروردگار خود در این حال بوده است. گریه حضرت یعقوب^(ع) به دلیل آنچه از حادثه گم شدن حضرت یوسف^(ع) براو رفته بود و دوری از حضرت یوسف^(ع) بوده است. متقابلا حضرت یوسف^(ع) به خاطر قراق و جدایی از پدر بزرگوارش و پیامبر خدا گریان بوده است و در بسیاری از روایات ذکر شده است که حضرت زهرا^(ص) بعد از دست دادن پدرشان، رسول خدا^(ص)، بسیاری بی‌تاب بودند و در حالت اندوه فراوان به‌سر می‌بردند و بسیار می‌گریستند. گریه امام سجاد^(ع) نیز به خاطر شهادت مظلومانه پدر بزرگوارشان، حسین بن علی^(ع)، بود. مدت آن در بعضی روایات، ده سال و در برخی دیگر چهل سال بیان شده است.

باتوجه به این روایات و آنچه در مورد اقامه عزاء گفتیم، جایگاه برگزاری روضه‌های کوچک و بزرگ خود را دست‌کم نگیرید و با هر میزان توانی که دارید، برای خود و خانواده‌تان، مجلس عزایی تدارک ببینید.

در شرح حدیث کسا



نقاشی اثر علی حسینی

حیث کسا یکی از متون مشهوری است که در محافل مذهبی، پایه و اساس جمع هاست و برکات و آثار زیادی برای آن بیان شده است اما اینکه ماجرای اهل بیت نبوت^(ع) و کسا چیست، باید گفت اصل این ماجرا این‌گونه بوده است که پیامبر اسلام^(ص)، امام علی^(ع)، حضرت زهرا^(ص)، امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) را زیر عبا و کسا قرار داده و ایشان را اهل بیت خود خوانده‌اند و آیه تطهیر نیز در همین باره نازل شده است؛ امری که شیعه و اهل سنت آن را پذیرفته‌اند و در منابع معتبر فرقه‌های مختلف اسلام به آن اشاره شده است، هر چند اختلاف‌هایی در لفظ روایات و برخی جزئیات مشاهده می‌شود. این ماجرا از دو نظر دارای اهمیت است؛ یکی مسئله اثبات امامت و ولایت و دیگری اثبات عصمت. این رخداد تاریخ‌ساز و نزول آیه تطهیر، در ماه ذی‌الحجه و قبل از روز مباهله رخ داده. اما دقیقا مشخص نیست که در چه روزی بوده است.

سند حدیث کسا

حدیث کسا برای اولین بار در منابعی که موجود است، مرحوم «شیخ عبدا... بحرانی» در «عوالم» نقل کرده است و می‌گوید من این حدیث را به خط مرحوم «سیدهاشم» صاحب تفسیر «برهان»، یافتم که ایشان از استادش «سیدماجدبحران»، نقل می‌کند و سلسله‌سندی را برای این حدیث تا «جابر بن عبدا... انصاری» نقل کرده است که جابر می‌گوید حضرت فاطمه^(ص) این حدیث را برای من نقل فرمودند.

فضیلت حدیث شریف کسا، نزد علما و مراجع عظام تقلید

همواره این حدیث نزد علما و فقها به‌خصوص مراجع عظام تقلید از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است، به‌طوری‌که این بزرگان برای رفع حاجت و دفع گرفتاری و بلا، به آن توصیه و بر آن تأکید می‌کردند.

آیت... قاضی طباطبایی / نقل شده است: «آیت... قاضی، استاد عرفان و اخلاق علامه طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان، به حدیث کسا بسیار اعتقاد داشت و اگر فردی به او مراجعه می‌کرد و از مشکلات خود برایش می‌گفت، در جواب به خواندن حدیث کسا، سفارش می‌کرد، همچنین آیت... قاضی به رعایت آداب خاصی برای جلسات حدیث کسا اشاره کرده است؛ برای مثال گفته است: «در جلسات حدیث کسا، چوب عود آتش نزنید».

مرحوم آیت... گلپایگانی / به نقل از برخی نزدیکان مرحوم آیت... گلپایگانی، وقتی مشکلی برای این عالم پیش می‌آمد، او به حدیث کسا متوسل می‌شد و در مواقعی که فردی نزدش می‌آمد و مشکلی داشت، یک جزوه حدیث کسا به او می‌داد و می‌گفت: «از طریق توسل به حدیث کسا، مشکل خود را برطرف کنید». حتی زمانی که جمعی از مسئولان مملکتی نزدش رفتند و درباره جنگ تحمیلی با او صحبت کردند، در جواب گفت: «به حدیث کسا متوسل شوید».

آیت... العظمی بهجت / آیت... بهجت نیز مانند دیگر عالمان بزرگ شیعه، توجه ویژه‌ای به این حدیث داشت. نقل شده است او شب‌های حدیث را قرائت می‌کرد و حتی در سالیانی دورتر، افراد خانواده را گردهم می‌آورد و به همراهشان حدیث کسا می‌خواند. همچنین می‌گفت: «چند معجزه در حدیث کسا است؛ (در این حدیث، پیامبر^(ص) به امام حسن^(ع) می‌فرماید: صاحب حوض هستی. آیتا به حال گفته بود تو صاحب حوض من هستی؟ به امام حسین^(ع) نیز می‌گوید: تو شافع امت من هستی».



او و شیعانش از آتش بریده شدند

فاطمه از نام‌های انتخابی خدا برای دختر پیامبر خاتم^(ص) است. شیخ صدوق در «علل الشرایع» و علامه مجلسی در «بحار الانوار» از امام باقر^(ع) روایت کرده‌اند که: «چون فاطمه^(ص) متولد شد، خدای عزوجل به یکی از فرشتگان وحی فرمود که به زمین برو و این نام را بر زبان پیغمبر^(ص) جاری سازد و بدین ترتیب، رسول خدا^(ص)، نام فاطمه^(ص) را برای نوزاد انتخاب فرمود؛ (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳). همچنین امام رضا^(ع) از پدرشان و ایشان از رسول خدا^(ص) نقل کرده‌اند که: «ای فاطمه! آیا می‌دانی چرا فاطمه نامیده شده‌ای؟» علی^(ع) پرسیدند: «چرا؟» فرمودند: «زیرای و شیعانش را از آتش بازداشته‌اند؛ (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸-۱۹). همین یک اسم، دلیل کثربودن فاطمه‌زهرا^(ص) را به ما ثابت می‌کند؛ البته به‌شرطی آتش بازداشته می‌شویم که شیعه واقعی باشیم و دل آن‌ها را با اعمال و رفتارمان دردمند نکنیم؛ چون به فرموده پیامبر^(ص)، خدا با خشنودی فاطمه^(ص)، خشنود و با خشم او خشمگین می‌شود. همین یک شرط، بهشت را برای ما تضمین می‌کند.

نور اوزمین را روشن کرد

از دیگر نام‌های مشهوری که دخت پیامبر^(ص) به آن شهرت دارند و در بین شیعیان و محبان حضرت فاطمه^(ص) نیز بسیار طرفدار دارد، نام زیبایی «زهرا» است. این نام در طول تاریخ، فروغی خاص داشته است و بسیاری از دختران و زنان با آن نام‌گذاری شده‌اند. از امام صادق^(ع) پرسیدند: «چرا فاطمه را «زهرا» می‌نامند؟» ایشان پاسخ دادند: «زیرا زهرا به معنای درخشنده است و فاطمه چنان بود که چون در محراب عبادت می‌ایستاد، نور او برای اهل آسمان‌ها برتوافکن می‌شد؛ همان‌گونه که نور ستارگان برای اهل زمین (برتوافکن است). لذا زهرا نام نهاده شد؛ (بحار الانوار-ط- بیروت)، ج ۴۳، ص ۱۲).

حجت الاسلام والمسلمین عالی نیز درباره دلیل شهرت بنصعه الرسول^(ص) به زهرا، می‌گوید: «وقتی نور حضرت زهرا^(ص) خلق شد، آن چنان بود که ملائکه از عظمت آن به سجده افتادند و از خدا پرسیدند: «این نور چیست؟» خدای مایل پاسخ داد: این نوری است از نور من و از عظمت خودم، خلقش کردم»-یعنی وجود نور آن حضرت، مستقیم از خداست.

این کارشناس مذهبی ادامه می‌دهد: در روایت معراج است که پیامبر^(ص) فرمودند: «در معراج سببی برآیم آوردند، وقتی آن را شکافتم، نوری ساطع شد که از شدت وعظمت آن حیران شدم. وقتی از جبرائیل درباره چیستی این نور پرسیدم، پاسخ داد: این نور شخصی است که در زمین به او فاطمه می‌گویند. او که شیعانش را از آتش می‌برد و در عالم بالا، منصوره (مشمول نصرت خدا) است».

معنای صدیقیه

صدیقیه یعنی کسی که در راست‌گویی کامل است یا هرگز دروغ نگفته است. بنابر تصریح آیات قرآن، مرتبه صدیقین در دریف پیامبران و شهدیان است: «وَمَنْ يُطِيعِ... وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء، ۶۸).

حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان در تشریح وجه این تسمیه، می‌گوید: «چون که ایشان ظاهر، باطن، گفتار، عملش، فکرش، نیتش و اندیشه‌اش همه الهی است و تفاوتی در گفتار و فعلش، در باطن و ظاهرش دیده‌ نمی‌شود و به قول قدیمی‌های تهران، یک‌آدم راست و حسینی بود که اصلا شیشه پیله در وجودش نبود، این است معنای صدیقیه».

و چقدر امروز ما به این وصف از حضرت زهرا^(ص) نیاز داریم. اگر در همین نبودن و بی‌شیشه‌پیلگی، ایشان را الگو قرار دهیم و سعی کنیم از دروغ و فریب و مکر در روابط میان‌فردی، خانوادگی و کاری پرهیز کنیم، خیلی از مشکلاتی که حتی پای ما را به دادگاه‌ها می‌کشاند و زندگی خانوادگی مان را زهم می‌پاشند، حل می‌شود. مگر نه این است که بیشتر پرونده‌های قضایی در دادگاه‌ها، ریشه در دروغ‌های ما دارند؟ چه بسیارند جذابی‌هایی که ریشه آن‌ها را باید در نبود صداقت بین زوجین جست و جو کرد.

همه آنچه باید درباره اسامی و لقب‌های حضرت زهرا^(ص) بدانیم

فلسفه اسما و القاب فاطمی

آمنه مستقیمه^(ص) یکی از راه‌های شناخت حضرت فاطمه‌زهرا^(ص) و سبک زندگی بی‌نظیری که ایشان داشتند و آموزه‌هایی که برای ما به یادگار گذاشته‌اند، شناخت اسامی و القاب آن حضرت و معانی عمیقی است که در آن‌ها نهفته است. مهم آنکه برخی از این اسامی و القاب را خدا انتخاب کرده است و هریک جلوه‌ای از جلوه‌های سیره فاطمی را بیان و یادآوری می‌کنند که چرا از آن وجود مقدس به خیر کثیر و سرور زنان عالم تعبیر می‌شود. در ادامه مروری کرده‌ایم برخی از آن نام‌ها و معانی و آثارشان را.



تجلی آیه تطهیر

شاید اصلی‌ترین دلیل نام‌گذاری ایشان به مطهره، آیه تطهیر باشد که اهل بیت پیامبر^(ص) را از هرگونه رجس و آلودگی پاک و طاهر می‌داند. والا ترین حدیث در مقام طهارت حضرت زهرا^(ص)، حدیث شریف کسا است که شیعه و سنی با ده‌ها سند، صحت آن را تأیید کرده‌اند. به تصریح این حدیث، زمانی رسول خدا^(ص) به خانه دخترشان رفتند و خود را در چیزی شبیه به عبا پیچیدند. سپس امیرالمؤمنین علی^(ع)، امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) به آن حضرت ملحق شدند و آن‌گاه فاطمه^(ص) به ایشان پیوستند و در این هنگام بود که آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» نازل شد.

چرا مبارکه؟

حجت الاسلام والمسلمین مسعود عالی در تشریح دلیل نام‌گذاری فاطمه‌زهرا^(ص) به مبارکه، بیان می‌کند: «مبارکه یعنی وجود پرخاصیت و متبرک. خداوند در قرآن کریم در مورد شب قدر نیز لفظ مبارک را به‌کار برده و فرموده است هرکه این شب را درک کند، گویی بهره‌ای برابر با هزار ماه برده است. کلمه مبارک در مورد قرآن نیز به‌کار برده شده است و این نشان از برکات و خاصیت آن دارد». حضرت فاطمه^(ص) در زمان شهادت تنها نوزده سال داشتند اما همه خیرات از ایشان به دیگران می‌رسید و این امر تا به امروز نیز ادامه دارد. آن بانوی بزرگوار اسلام، منبع همه خوبی‌ها بوده‌اند و وجودشان، سراسر برکت و رحمت است. کوتر در حقیقت به معنای ادامه وجود پیامبر^(ص) است و این یعنی امامان بعد از نبی خاتم^(ص) و نسل فاطمه^(ص) به وجود آمده‌اند و ایشان استمرار خیر وجودی پدر هستند.

از جنبه دیگر باید گفت حضرت فاطمه^(ص) را بفاتر سنجیده خودشان در زمان شهادتشان و دفاع از حریم همسرشان، امیرالمؤمنین^(ع)، دشمنان را تا ابد محکوم کردند و این همان راه رسول...^(ص) است. زهرا^(ص) مرضیه^(ص) موجب شدند قرآن و عترت در کنار هم باقی بمانند و منشأ هر خیری تا قیامت تنها از ایشان است. اگر کسی بخواهد به حقیقت قرآن متصل شود، تنها از طریق وساطت ایشان خواهد بود. امام صادق^(ع) می‌فرمایند: «هرکه فاطمه^(ص) را درک کند، شب قدر را درک کرده است».

برای پدر، حکم مادر را داشتند

در میان عرب، معمول است که علاوه بر اسم، کنیه‌ای نیز برای افراد انتخاب می‌کنند. اگر فرد مرد باشد، این کنیه با «اب» شروع می‌شود و اگر زن باشد، با «ام». در روایات اسلامی و در میان کنیه‌های فاطمه‌زهرا^(ص)، کنیه عجیبی دیده می‌شود که چشم‌انداز دیگری از عظمت فوق‌العاده آن حضرت را ترسیم می‌کند. در «اسدالغابه» آمده است: «کنیه فاطمه، ام‌ایبها (مادر پدرش) بود». این معنادر کتاب «استیعاب» از امام صادق^(ع) نیز نقل شده است.

این تعبیر عجیب که نظیر آن درباره هیچ یک از زنان اسلام دیده نشده است، نشان می‌دهد که این دختر باوفا آن چنان به پدرش محبت می‌کرد که گویی یک مادر برای او بود. می‌دانیم که پیغمبر اکرم^(ص) در همان کودکی، مادر خود را از دست دادند. ولی این دختر از همان خردسالی از هیچ‌گونه محبت و دلسوزی درباره پدر بزرگوارش فروگذار نکرد. تا جایی که هم دختری دلسوز و فداکار و هم مادری مهربان و ایثارگر و هم یاری وفادار محسوب می‌شد.

نگاهی متفاوت به معنای، ام‌ایبها،

حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدحسن جواهری، قرآن پژوه، در تبیین شهرت حضرت زهرا^(ص) به ام‌ایبها، می‌گوید: «فرزند وجودش را از طریق مادر به‌دست می‌آورد و در رحم او پرورش می‌یابد. باتوجه به‌آنکه امامان معصوم^(ع) ادامه‌دهنده راه پیامبر^(ص) و همه از فرزندان حضرت زهرا^(ص) هستند، گویی پیامبر^(ص) ادامه حیات خودشان را از دخترشان دارند و بر این اساس فرمودند: «ام‌ایبها»-یعنی کسی که پدرش، حیات خود را از او دارد». اگر حضرت زهرا^(ص) نبودند، فرزندان ایشان هم نبودند و اگر فرزندان ایشان نبودند، شریعت کامل نمی‌شد و همه چیز ابتر می‌ماند و این تفسیر را می‌توان تفسیر «لَوْلَا کَما خَلَقْتُ الْآفَلاکَ، وَلَوْلَا عَلَیْکَ لَما خَلَقْتُکَ، وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَما خَلَقْتُکَما» دانست؛ زیرا با وجود علی^(ع) و فاطمه^(ص) است که امامان معصوم^(ع) به وجود آمدند و با وجود آن‌هاست که شریعت کامل شد و اگر این‌ها نبودند، شریعت ناقص باقی می‌ماند و چون خدا کار ناقص انجام نمی‌دهد، اساسا پیامبر اکرم^(ص) و به تبع او کائنات را خلق نمی‌کرد.

خدا و فاطمه^(ص) از هم راضی‌اند

حضرت فاطمه^(ص) به تلخی‌ها و دشواری‌ها و مصیبت‌هایی که خداوند در دنیا برایشان مقدر ساخته بود، رضایت کامل داشتند و خداوند نیز از ایشان راضی بود. قرآن کریم در سوره دهر، خبری می‌دهد که خداوند از عملکرد وی رضایت یافت و او را از بیم بزرگ روز قیامت معصومیت بخشید. فاطمه‌زهرا^(ص) با دو لقب راضیه و مرضیه از مصداق آیه «رَضِیَ... عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» است. حضرت فاطمه‌زهرا^(ص) نه تنها به مقدرات خداوند راضی بودند، بلکه در مقام رضایه حدی رسیده بودند که خداوند نیز از ایشان راضی بود. برای نفس، پنج مرتبه اماره، لواحه، مطمئنه، راضیه و مرضیه آمده‌است که مرضیه شریف‌ترین نفس‌هاست. راضیه آن نفسی است که همه مقدرات و احکامی را که از نسوی خدایه‌اومی‌رسد، قبول دارد؛ چنان‌که حضرت فاطمه زهرا^(ص) نیز دائمی می‌فرمودند: «خشنودم به آنچه خدا و پیامبر را خشنود سازد» و مرضیه نفسی است که خداوند از او خشنود شده و مشمول رضایت حضرت حق واقع شده است و این بهترین حالت برای دیدار معبود است که قرآن درباره آن می‌فرماید: «یا أَیُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِزْجِعِ إِلَىٰ رَبِّکَ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً». امروز هم ما به این وصف نیاز مبرم داریم. ناآرامی‌ها، دغدغه‌ها، اضطراب‌ها و لذت نبردن‌ها از هر موقعیتی که در آن قرار داریم، اغلب به نارضایتی‌های ما بازمی‌گردد؛ اینکه نه به نعمت‌هایی که داریم، راضی هستیم، نه مقابل مقدرات، آرامش داریم و سر تسلیم فرود می‌آوریم و دائم بر امواج چرامن، سواری می‌کنیم، در حالی‌که گاه یک تسلیم و پذیرش ساده و رضایت دادن به آنچه خدا برای ما روا داشته است، به قدری آرامش به همراه دارد که هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آن شود.